

کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می‌کند



مردی که از
طرف خدا
فرستاده شد



□ ویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Alastair Paterson; Byron Unger; Lazarus

بازگویی از: E. Frischbutter; Sarah S.

مترجم: Nahid Sepehri

□ اشتر: Bible for Children

www.M1914.org

BFC

PO Box 3

Winnipeg, MB R3C 2G1

Canada

©2020 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ

□ مایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



روزی کاهن پیری به امام زکریا در معبد بزرگ مشغول
سوزاندن بخور بود. در بیرون معبد بزرگ
مردم مشغول دعا بودند. آنگاه زکریا
از ترس به لرزه درآمد.



فرشته‌ای در آجا ظاهر شد و گفت: "ترس، خدا مرا
فرستاده است. تو صاحب پسری خواهی شد. اسم او را
یحیی بگذار. او پر از روح القدس خواهد بود
و بسیاری را به سوی خداود

هدایت خواهد
کرد."



مردمی که بیرون ایستاده بود^د،
از سکوت زکریا متعجب
شده بود^د و می گفتند:



"با ما حرف بزن. "آها" می‌دانستند که چون زکریا
و عدهٔ خدا را باور کرده بود، جبرائیل به
او گفته بود که تا هنگام به‌دیا آمدن
و زاد دیگر می‌تواند حرف بزند.
زکریا با خود فکر می‌کرد که
همسرش برای بچه‌دار
شدن خیلی پیر

شده است.



وقتی زکریا به خانه رفت همه سخنان فرشته را برای همسرش نوشت. الیزابت یز از این مسئله متعجب شد. آیا همیشه برای بچه‌دار شدن دعا می‌کردند. آیا این اتفاق خواهد افتاد؟



خیلی زود الیزابت
متوجه شد که حامله
شده است و خدا را
شکر کرد. روزی
مریم، دختر عموی
الیزابت، به ملاقات
او آمد. مریم □ یز □ یز
حامله شده بود.



وقتی مریم به آجا رسید، بچه در شکم
الیزابت شروع به تکان خوردن کرد، و
الیزابت از روح القدس پر شد. او
می‌دانست که بچه مریم
عیسی مسیح خداوند
خواهد بود. آن دو
زن با خوشی شروع
به شکرگزاری
خدا کردند.



همان طور که خدا گفته بود فرزند الیزابت به دنیا
آمد. خویشاوندان او میخواستند نام پدرش
یعنی زکریا را به روی طفل بگذارند.

زکریا فرمان خداوند را به یاد
آورد و بر روی کاغذی نوشت:
"ه! اسم طفل یحیی است."

وقتی زکریا نام یحیی
را نوشت زبانش

باز شد. پس

شروع به

شکرگزاری

خدا کرد.



وقتی یحیی بزرگ شد، مانند
ایلیای بی بود، مردی پر از
روح القدس. یحیی خبر می داد
که مسیح موعود به زودی
خواهد آمد تا آنها را برکت دهد.



رهبران یهود از یحیی متنفّر
بودند زیرا یحیی به مردم
می‌گفت: "توبه کنید! گناه
نکنید." آنها می‌خواستند در
مورد گناهان شان چیزی بدانند.



مردم او را یحیای تعمید دهند □ امید □ د زیرا او مردم را به □ شایه □ این که از گناهان خود توبه کرده □ د، در

آب تعمید می داد. روزی عیسی آمد تا یحیی

او را تعمید بدهد. یحیی

با اعتراض گفت: "من

احتیاج دارم از تو تعمید

بگیرم." اما عیسی

پاسخ داد:

"بگذار همین

طور باشد."

سپس یحیی

او را تعمید داد.



بعد از تعمید
عیسی، یحیی دید
که روح القدس به
شکل کبوتری بر
عیسی ازل شد. این
علامتی از طرف خدا
بود. یحیی می دانست
که عیسی پسر خداست.
یحیی عیسی را بره
خدا امید یعنی کسی
که گناه جهان را
برخواهد داشت.



یحیی بسیاری از مردم را
به طرف خدا هدایت کرد.
اما هیرودیس، که حاکم
شریری بود، یحیی را به
دان^۱ داخت. زیرا یحیی
به هیرودیس گفته بود:
"درست^۲ یست که تو با
هیردویا، یعنی زن برادر
خود ازدواج کرده‌ای."



هیردویس می‌دست
که یحیی خادم خدا و
مردی مقدّس است، اما
می‌خواست از گناه خود
دست بردارد. یحیی حتی
در دان هم از صحبت
کردن بر ضد گناه و لزوم
توبه، دست بر می‌داشت.



به خاطر روز تولد هیرودیس جشن بزرگی برپا شده بود.

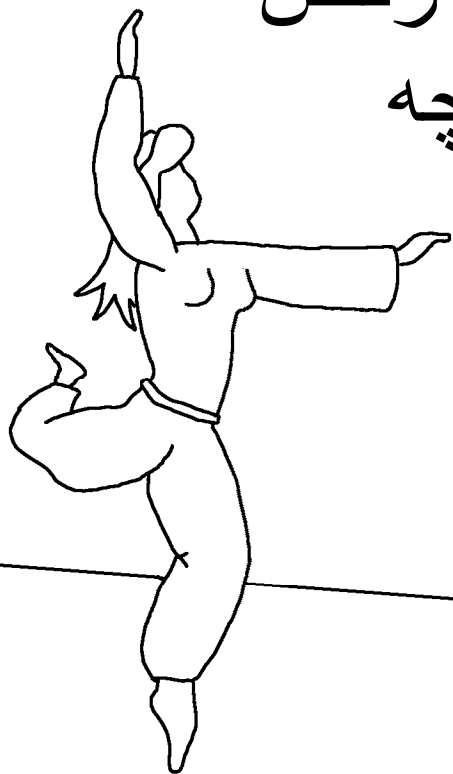
دختر هیرودیا برای هیرودیس رقصید و او از رقص

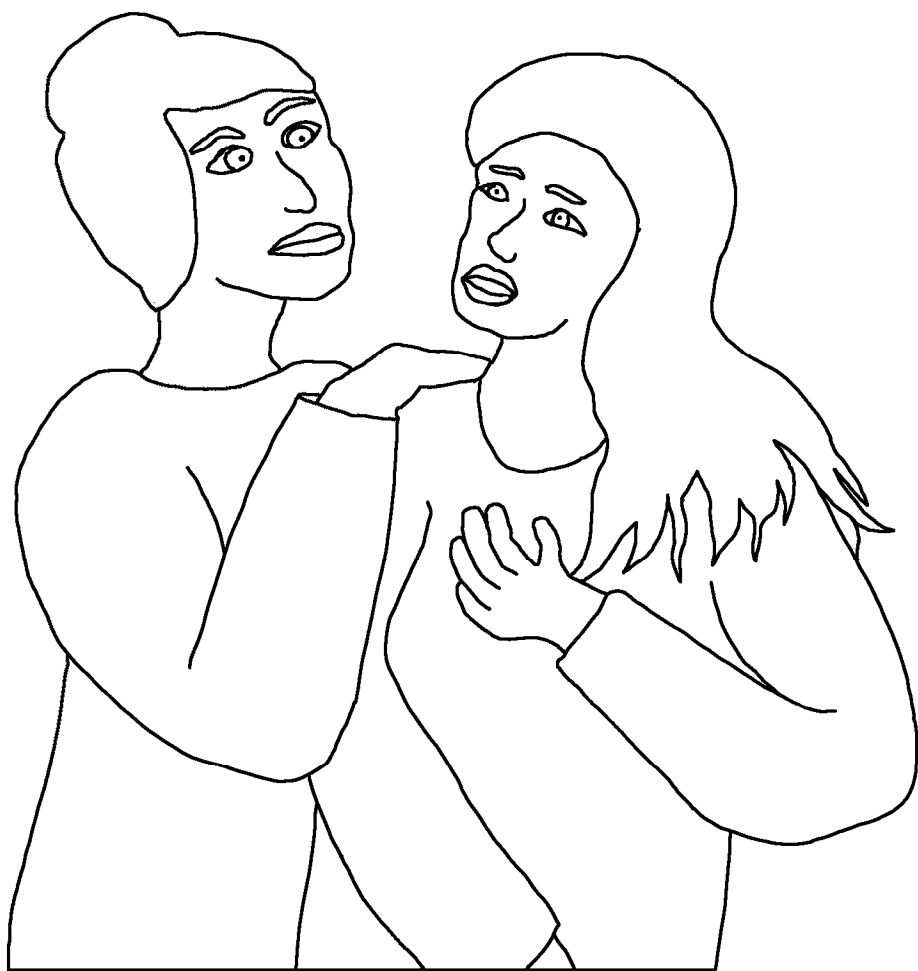
هیرودیا بسیار لذت برد و به آن دختر گفت: "چه

می خواهی که به تو بدهم؟ تو حتی می توانی

صف مملکت مرا هم درخواست

کنی."





آن دختر از
مادرش پرسید:
"چه بخوام؟" مادر
شریر وی که از
یحیی فرت داشت
به او گفت: "سر
یحیای تعمد دهند
را بخواه." این
درخواست خیلی
شرارت بار بود!



هیردویا به هیرودیس
در یک سینی به من
بود بسیار متأسف بود،

گفت: "سر یحیی تعمید دهنده را
بدهید." هیرودیس از قولی که داده
اما مغرورتر از آن بود که بخواهد

قول خودش را بشکند. بنابراین
دستور داد که سر یحیی را قطع
کنند و □ زد او بیاور □ د.
سربازان او اطاعت
کرد □ د و همان کار
را □ □ جام داد □ د.



شاگردان یحیی با [] دوه بسیار
جسد خادم با وفا و غیور خدا
را دفن کردند. خدمت یحیی
برای خدا اکنون به پایان
رسیده بود. احتمالاً
شاگردان یحیی
می دانستند که
عیسی می تواند آنها
را در [] دوهی که
دارد تسلی بدهد.



مردی که از طرف خدا فرستاده شد

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

لوقا ۱ و ۳ و مرقس ۶

"کشف کلام تو □ و ر می بخشد."

مزمور ۱۱۹ : ۱۳۰



پایان



داستان‌های کتاب مقدس با ما در بارهٔ خدایی صحبت می‌کنند که ما را
آفرید و ارادهٔ او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند.
مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهان را آن قدر محبت مود که پسر یگانهٔ خود
را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از
مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او
بخواهی که گناهان تو را ببامزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو
خواهد شد و تو برای همیشه با او دگمی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من
ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من
بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می‌کنم که وارد دگمی من بشوی و گناهان
مرا ببخشی تا بتو ایم دگمی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو دگمی کنم.
کمکم کن تا به عنوان فرزند تو بتو ایم تو را اطاعت کنم و برای تو دگمی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! جیل یوحنا ۳: ۱۶

